

بررسی تاثیر نقش تخصص مالی کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه مدت مدیران

یداله تاری وردی*

صلاح الدین قادری**

چکیده

یکی از ارکان اصلی راهبری شرکتی کمیته حسابرسی است. درک و دانش اعضای با تجربه کمیته حسابرسی، ارزش گزارشگری مالی و حسابرسی شرکت را افزایش می دهند. هدف این پژوهش بررسی تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه مدت مدیران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جهت اندازه گیری نگرش کوتاه مدت مدیریت، از سه معیار اقلام تعهدی اختیاری جاری و اقلام واقعی (از طریق دستکاری در فروش و کاهش در مخارج اختیاری) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و نمونه پژوهش شامل شرکت هایی است که قبل از سال ۱۳۹۰ عضو بورس بوده اند و در سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ دارای کمیته حسابرسی می باشند. نتایج پژوهش نشان می دهد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی تاثیر معناداری ندارد. بررسی اثر ویژگی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی حاکی از آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش و کاهش مخارج اختیاری تاثیر منفی دارد. این یافته ها می تواند برای خط-مشی گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید بوده و ضرورت بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی را به همراه داشته باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی

* استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول) ghaderi.s.acc@gmail.co

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۲

مقدمه

تحول در محیط اقتصادی ایران در سال های اخیر، به ویژه با افزایش خصوصی سازی و واگذاری شرکت های دولتی و نیز توسعه بازار سرمایه سبب شده است که راهبری شرکتی به عنوان مکانیزم نظارتی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. کمیته حسابرسی از اجزای ارکان راهبری بنگاه تلقی می شود و عاملی تعیین کننده در روند گزارشگری مالی است، که اعتبار صورت های مالی حسابرسی شده را افزایش می دهد. از طرف دیگر، شرکت ها و سهام داران برای نظارت دقیق تر بر زمینه هایی همچون ریسک، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت، صحت گزارشگری مالی و رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، بر قضاوت اعضای کمیته حسابرسی اتکا می کنند. هر عضو کمیته حسابرسی، برای انجام وظایف خود به شناخت درست و آشکار وظایف خود با توجه به منشور فعالیت کمیته و سایر الزامات قانونی نیاز دارد. برای نمونه، منشور کمیته حسابرسی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، بندهایی درباره ی استقلال و تخصص اعضای کمیته دارد. نگرش کوتاه-مدت مدیران، در واقع میل به کسب قیمت بالای سهام از طریق متورم نمودن سودهای جاری، بدون در نظر گرفتن رشد بلندمدت شرکت است (استین، ۱۹۸۹). گراهام، هاروی و راج گوپال (۲۰۰۵) نشان دادند که ۷۸ درصد از مدیران اجرایی ارزش بلندمدت را قربانی اهداف کوتاه مدت می کنند. همچنین دیچو، گراهام، هاروی و راج گوپال (۲۰۱۳) گزارش کردند در هر دوره مشخص ۲۰ درصد از شرکت ها سودهای خود را مدیریت می کنند، این امر به منظور تاثیر بر قیمت سهام، جلوگیری از کاهش پاداش مدیران و حفظ اعتبار شغلی مدیران صورت می گیرد. در واقع آن ها با توجه به اطلاعات محرمانه خود و با انگیزه هایی همانند امنیت شغلی، شهرت، دریافت اختیارات سهام یا سهام جایزه وابسته به عملکرد، اقدام به مدیریت سود می کنند (عرب صاچی و همکاران، ۲۰۱۵). بررسی پژوهش های پیشین نشان می دهد که مدیران جهت رسیدن به اهداف کوتاه مدت خود اقدام به مدیریت سود در گزارشگری مالی و تصمیمات سرمایه گذاری می کنند این عمل می تواند هزینه های بلندمدت قابل توجهی به سهامداران تحمیل نماید (بروچت و همکاران، ۲۰۱۵؛ آبودی و همکاران، ۲۰۰۵؛ استین، ۱۹۸۹؛ بهجاراج و لیبی، ۲۰۰۵؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۸؛ مهرانی و باقری، ۲۰۰۹؛ دچیو و همکاران، ۲۰۱۳؛ کانیانن، ۲۰۰۰؛ چانگ و همکاران، ۲۰۰۵؛ چن و زاروین، ۲۰۱۰). بروچت، لومیتوی و سرافیم (۲۰۱۵)، چن، چونری، و رارگاوان و زولوتوی (۲۰۱۵) معتقدند که مدیران جهت دستیابی به اهداف کوتاه مدت اقدام به مدیریت

سود می‌کنند، لذا در این پژوهش با پیروی از پژوهش آن‌ها از متغیر مدیریت سود جهت اندازه‌گیری نگرش کوتاه‌مدت مدیران استفاده شده است.

از سوی دیگر سازمان بورس اوراق بهادار در راستای کاهش مدیریت سود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی تلاش‌هایی انجام داده است. از جمله اینکه پروژه بهبود نظام راهبری شرکتی در دستور خود قرار داده که نمونه‌ای از ساز و کارهای این نظام تکمیل شده و در قالب دستور العمل قرار گرفته است. شاید جدی‌ترین گام برداشته شده در این راه، مربوط به تصویب دستور العمل سامانه‌های کنترل داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس و فرا بورس در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ می‌باشد. در اواخر سال ۱۳۹۱ سازمان، منشور کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی را تصویب کرد تا در عزم خود به سمت استقرار نظام راهبری شرکتی، مصمم‌تر باشد. با توجه به مطالب بیان شده در همین منشور اعضای کمیته حسابرسی برای انجام موثر وظایف ذکر شده در منشور باید تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است. لازم به ذکر است که اعضا نباید تخصص پیش‌گفته را در طول زمان از دست بدهند به همین جهت، شرکت‌ها باید آموزش مستمر اعضا و مشاوره‌های حرفه‌ای شامل آخرین تغییرات در استانداردها و اصول حسابداری، حسابرسی، قوانین و مقررات بازار سرمایه کشور و قوانین تازه وضع شده را برای اعضا فراهم کنند. بسیاری از کشورها به صورت دوره‌ای تخصص مالی اعضا را ارزیابی می‌کنند. پس در کل هدف کلی حسابرسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند (تندلو و ون استرایلن، ۲۰۰۸). در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند. پس با توجه به اهمیت موضوع و همچنین خلا موجود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در این تحقیق به دنبال پاسخ به این مهم هستیم تاثیر نقش تخصص مالی کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه‌مدت مدیران شرکت‌ها چگونه است؟

بخشهای بعدی این پژوهش ادبیات و پیشینه نظری و سپس روش تحقیق و معرفی

متغیرها و آزمون فرضیه‌ها بیان شده است. و در نهایت به جمع بندی و نتیجه گیری و پیشنهادات اختصاص یافته است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فعالیت‌های مدیران ممکن است در جهت تامین منافع خود و ضرر سهامداران باشد و منجر به هزینه‌ها و مخارجی گردد که باعث کاهش ثروت سهامداران شود. مدیران ممکن است فرایندهای حسابداری را برای افزایش سود منتشر شده و به منظور پنهان کردن اثرات منفی پروژه‌ها به کار گیرند. مدیران این شرکت‌ها به شکل فرصت طلبانه‌ای به منظور اهداف شخصی عمل می‌کنند و قصد دارند تا با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیان‌ده و فاقد بازده و عدم افشای مناسب در رابطه با وجوه نقد سرمایه‌گذاری شده به منظور جلوگیری از تجزیه و تحلیل محدودیت‌های پروژه توسط سرمایه‌گذاران بر مشکلات نمایندگی بیفزایند (چانگ و همکاران، ۲۰۰۵). پس می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت سود حالتی است که در آن مدیران واحدهای تجاری، سود را مطابق با میل خود گزارش می‌نمایند و نه مطابق با محتوای اقتصادی فعالیت‌های واحد تجاری (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۳). تعداد زیادی از محققان در بررسی‌های خودشان به این نتیجه رسیدند که مدیران نه تنها از طریق دستکاری ارقام تعهدی می‌توانند به مدیریت سود مبادرت ورزند بلکه از طریق تصمیم‌گیری‌های فعالیت‌های عملیاتی نیز می‌توانند این کار را انجام دهند (هلی و والزن، ۱۹۹۹؛ فادنبرگ و تریل، ۱۹۹۵؛ دیجو و اسکینر، ۲۰۰۲). رویچودهری (۲۰۰۶) دریافت که مدیران فعالیت‌های واقعی را به منظور اجتناب از زیان‌دهی گزارش‌های مالی انجام می‌دهند، و اگر مدیران از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی به مدیریت سود پردازند تعیین نقش سرمایه‌گذاران آگاه در محدود کردن چنین فعالیت‌هایی بسیار مشکل است. کوهن و زاروین (۲۰۱۰) دریافتند که مدیریت ارقام تعهدی و واقعی همزمان رخ می‌دهند. تحقیقاتی که در این خصوص صورت گرفته نیز مبین استفاده از هر دو مدیریت سود توسط مدیران شرکت‌ها بوده است. زنگ (۲۰۱۲) بیان می‌کند هر دو دستکاری در ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی را در نظر می‌گیرد و با توجه به هزینه و منفعت هر دو روش از بین آن‌ها انتخاب می‌کنند. با توجه به امکان وجود مدیریت سود و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی وجود واحد نظارتی در شرکت‌ها که سبب افزایش اطمینان بخشی نسبت به کیفیت گزارشگری مالی است، ضرورت می‌یابد. مطابق قانون بررسی و نظارت بر کیفیت گزارشگری مالی

شرکت‌ها از جمله وظایف کمیته حسابرسی شرکت‌هاست. کمیته حسابرسی، کمیته‌ای متشکل از اعضای هیأت است که به طور معمول از سه، تا پنج مدیر غیر موظف تشکیل می‌شود. نبود مدیران موظف در کمیته‌ی حسابرسی سبب می‌شود حسابرسان بتوانند مسائلی چون نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، اختلاف نظر با مدیریت درباره‌ی اصول و روش‌های حسابداری، نشانه‌های احتمالی از سوءاستفاده‌های مدیریت و سایر اعمال غیر قانونی مسئولان شرکت را با کمیته حسابرسی صریح‌تر مطرح کنند. این کمیته، جهت حفظ منافع سهامداران باید نگرش جست و جوگرانه‌ای برگزیند و قضاوت‌های مدیریت را مورد سوال قرار دهد. از اینرو، تخصص مالی کمیته حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (فریا، ۲۰۰۸). کمیته‌ی حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های عملیاتی و زیر مجموعه‌ی کمیته‌ی هیأت مدیره، مسئولیت بازرینی و نظارت بر گزارش‌های مالی و افشا را دارد. زمانی که اعضای کمیته تغییرات غیر عادی در درآمد و هزینه در صورت‌های مالی را بیابند، آن‌ها باید در مورد این موضوعات بحث کنند و فعالیت‌های عملیاتی مرتبط با آن‌ها را بازرینی کنند. لذا به نظر می‌رسد اگر اعضای کمیته‌ی حسابرسی دارای تجربه و تخصص مالی و حسابداری باشند میزان اثر بخشی کمیته افزایش می‌یابد. تحقیقات پیشین خارجی به بررسی این موضوع پرداختند. نتایج پژوهش بدراد و همکاران (۲۰۰۴) حاکی از آن بود که مدیریت سود با سطح تخصص حسابداری اعضای کمیته‌ی حسابرسی ارتباط معناداری منفی دارد. ابوت و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نبود اعضای متخصص مالی در کمیته‌ی حسابرسی، ارتباط معناداری با افزایش احتمال وقوع اشتباه و تقلب مالی دارد.

پیشینه تحقیق

ناکاشیما و زیبارت (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا قانون سارینز آکسلی در ژاپن تاثیری بر مدیریت سود و کیفیت سود داشته است. پژوهشگران مذکور به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود تعهدی برای شرکت‌های نمونه در قبل و بعد از قانون سارینز آکسلی قابل ملاحظه بود و مدیریت سود واقعی برای شرکت‌های نمونه برای بعد از قانون سارینز آکسلی کاهش یافته است.

رید و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر تغییرات اخیر در گزارشگری حسابرس و کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در بریتانیا پرداختند. معیار آنها برای کیفیت حسابرسی، اقلام تعهدی غیرعادی و تلاش برای تحقق انتظارات تحلیلگران از سود شرکت بود. آنها

نشان دادند اگرچه حق الزحمه‌های حسابرسی بعد از تغییرات اخیر افزایش یافته است، این افزایش با افزایش‌های سال قبل تفاوت بااهمیتی ندارد. بنابراین تغییرات اخیر در نحوه گزارشگری باعث افزایش حق الزحمه حسابرسی نشده است. آنها همچنین شواهدی برای تاثیر منفی تغییرات اخیر بر ارائه دیر هنگام گزارشهای حسابرسی نیافتند. در نهایت آنها دریافتند که تغییرات اخیر باعث افزایش کیفیت حسابرسی و همچنین عدم تحمیل هزینه‌های اضافی به شرکتهای شده است.

سان و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه‌ی نسبت استقلال و سطح تخصص و چرخش و اندازه کمیته‌ی حسابرسی و کمیته‌ی هیأت مدیره با مدیریت سود واقعی شرکت‌های آمریکایی پرداختند. نتایج تحقیق آنان حاکی از آن بود که هیچکدام از ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی رابطه‌ی معناداری با مدیریت سود واقعی نداشتند.

پاتریک و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن است که بالا بودن تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود خواهد شد، و همچنین به مزایا و محدودیت‌های تخصص در امور مالی، نیز می‌پردازد.

هرمن و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و ویژگی‌های سود پیش بینی شده توسط تحلیلگران پرداختند. نتایج آنان حاکی از این مطلب بود که تخصص مالی حسابداری اعضای کمیته حسابرسی با دو ویژگی پیش بینی سود تحلیلگران یعنی؛ صحت بیشتر پیش بینی سود و پراکندگی کمتر پیش بینی‌ها، دارای ارتباطی معنادار است. اما برای تخصص مالی غیر حسابداری نتایجی مبنی بر وجود رابطه معنادار با سود پیش بینی شده مشاهده نشد.

مونا رینی (۲۰۱۱) (۲۰۸ شرکت عضو بورس استرالیا را انتخاب نموده و به بررسی تأثیر استقلال و تخصص کمیته‌ی حسابرسی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

گارون (۲۰۰۹) به بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود افزایشی از طریق افزایش در فروش و کاهش هزینه‌های اختیاری پرداخت. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی با اعضای مؤثر مدیریتی هستند، احتمال بیشتری برای مدیریت سود واقعی دارند.

کارسلو و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق دیگری به بررسی اثر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در هزینه های تولید غیرعادی و هزینه های اختیاری غیر عادی پرداختند. آنها دریافتند که اگر چه تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ارتباطی با هزینه های تولید غیر عادی ندارد ولی رابطه مثبتی با هزینه های اختیاری غیر عادی برای شرکت های با ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف دارد.

ویسواناتان (۲۰۰۸) با استفاده از داده های قبل از تدوین قانون ساربنز- اکسلی به بررسی ارتباط بین مدیریت سود واقعی و سه ویژگی کمیته حسابرسی از جمله؛ استقلال کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی و تعداد دفعات جلسه کمیته حسابرسی پرداخت. نتایج نشان می دهد که دفعات جلسه کمیته حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود واقعی دارد و همچنین دریافت که اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی ارتباطی با سه معیار مدیریت سود واقعی ندارند.

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده پرداختند، شواهد نشان می دهد، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش بینی سود رابطه مثبت دارد. به بیان دیگر وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می دهد و اطلاعات قابل اتکاتری در اختیار مدیریت قرار می گیرد و پیش بینی سود با دقت بیشتری برآورد می شود. همچنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش بینی های سود ارتباطی منفی دارد.

مشایخی و حسین پور (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته ها حاکی از آن است که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های بورسی مشکوک به تقلب، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تاثیر منفی و معنی داری دارد. در نتیجه، پژوهشگران، استاندارداردگذاران و حسابرسان بایستی به هر دو مدیریت سود تعهدی و واقعی در شرکت های مشکوک به تقلب توجه لازم داشته باشند. همچنین بایستی کیفیت حسابرسی در شرکتهای مشکوک به تقلب بورسی ایرانی تقویت شود.

رویایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) تأثیر ویژگی های کمیته حسابرسی را بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق بررسی نمودند. جامعه آماری پژوهش آنها، شرکت های پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۲ می‌باشند. نتایج پژوهش با استفاده از رگرسیون مقطعی لجیت با روش حداکثر راست‌نمایی، نشان داد استقلال کمیته و تخصص اعضای کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه اخلاق تاثیر دارد.

آزادی و همکاران (۱۳۹۴) نقش استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات مالی را بررسی نمودند. آنها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مروری بر کلیه مقالات مرتبط با حوزه کمیته حسابرسی، به بررسی عوامل مؤثر بر افشای اطلاعات شرکتها پرداخته و در انتها چارچوبی نظری و مفهومی برای شرکتها ارائه نمودند. آنها بیان کردند که نقش کمیته حسابرسی مستقل و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات موجب اعتبار گزارش دهی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و شفافیت اطلاعاتی و مالی می‌شود، به گونه‌ای که می‌تواند در جهت کسب برتری رقابتی و نیل به اهداف بلندمدت شرکتها به کار گرفته شود.

بنائی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کمیته حسابرسی بر بهبود شفافیت گزارشهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش ۴ فرضیه طراحی شده است بخشی از اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها از متون و مقالات معتبر علمی و بخشی دیگر از طریق میدانی و روش‌های آماری جمع‌آوری شد. اطلاعات جمع‌آوری شده مورد آزمون قرار گرفت و نتایج بدست آمده نشان داد که سه ویژگی استقلال و تخصص و دوره تصدی کمیته حسابرسی در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف قانون، بهبود فرایند گزارشگری مالی و همچنین ارائه اطلاعات گزارشات مالی شفاف و قابل اتکا موثر است.

مهرنوب و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به تأثیر کیفیت حسابرسی و ویژگی‌های حسابرس بر مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش نتایج نشان داد که حسابرسان با رسیدگی‌های دقیق و با کیفیت خود می‌توانند اقلام تعهدی مورد استفاده‌ی مدیران را کاهش و مدیریت سود را محدود کنند. در نتیجه، اعتقاد بر این است که شرکت‌هایی که صورتهای مالی حسابرسی شده ارائه می‌کنند، دارای سود و محتوای اطلاعاتی با کیفیتتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. انتظار می‌رود که هر چه حسابرسی‌ها با کیفیت بیشتری انجام شود، امکان بروز رفتار فرصت طلبانه نیز کاهش یابد.

صالحی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر اثر بخشی کمیته

حسابرسی و موانع استقرار آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف این تحقیق، بررسی عوامل موثر بر اثربخشی کمیته حسابرسی و موانع استقرار آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استقلال، فعال بودن، تخصص مالی، اندازه، داشتن منشور، حمایت هیأت مدیره و تجربه، باعث اثربخشی کمیته حسابرسی می‌شود. همچنین، عدم درک نقش موثر کمیته حسابرسی، تمرکز گرایی و قدرت طلبی مدیران، عدم وجود بستر قانونی لازم برای تشکیل کمیته حسابرسی، هزینه‌های ایجاد کمیته حسابرسی و عدم تأکید بورس اوراق بهادار به ایجاد کمیته حسابرسی، از عوامل عدم استقرار کمیته حسابرسی در ایران است.

سجادی و همکاران (۱۳۸۵) در یک پژوهش توصیفی به بررسی ضرورت ایجاد کمیته حسابرسی از دیدگاه مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی، عملکرد حسابرس مستقل، عملکرد حسابرس داخلی و همچنین در جلوگیری از تقلب مدیریت موثر است.

فرضیه های پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین مبنی بر تاثیرگذاری مدیریت سود بر اهداف کوتاه-مدت و به پیروی از پژوهش بروچت، لومیتوی و سرافیم (۲۰۱۵)، چن، چونری، و رارگاوان و زولوتوی (۲۰۱۵) سه معیار مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی از طریق دستکاری در فروش و مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی از طریق کاهش در مخارج اختیاری جهت شناسایی و سنجش نگرش کوتاه مدت مدیران در نظر گرفته شده است و بر این اساس فرضیه‌های فرعی زیر تدوین شده است.

- ۱- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی تأثیر منفی و معنی دار دارد.
- ۲- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش تأثیر منفی و معنی دار دارد.
- ۳- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق کاهش مخارج اختیاری تأثیر منفی و معنی دار دارد.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی صورت گرفته است. فرضیه تحقیق بر اساس داده‌های ترکیبی آزمون شده است و تحلیل‌های آماری به کمک نرم افزار Eviews9 انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره تحقیق بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ می‌باشند که شرایط زیر را دارا باشند:

۱. شرکت‌ها باید همه اطلاعات مورد نیاز را در دوره زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ دارا باشند.
۲. شرکت‌ها باید همه قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند و تا پایان سال ۱۳۹۴، نماد آن‌ها از تابلو معاملات بورس حذف نشده باشد.
۳. سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
۴. جزء شرکت‌های مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری) نباشند.

پس از اعمال محدودیت‌های بالا تعداد ۱۰۲ شرکت انتخاب شد. به دلیل آنکه کمیته حسابرسی نقش نظارتی دارد و با توجه به اینکه سابقه شکل‌گیری در اثر بخشی کمیته حسابرسی مؤثر است بنابراین در این تحقیق دوره ۴ ساله سابقه تشکیل کمیته مدنظر قرار داده شده است.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

متغیر وابسته

به پیروی از مطالعه بروچت، لومیتوی و سرافیم (۲۰۱۵)، چن، چونری، و رارگوان و زولوتوی (۲۰۱۵)، در این پژوهش جهت اندازه‌گیری نگرش کوتاه‌مدت مدیریت از متغیرهای مدیریت سود استفاده شده است. در ادامه به نحوه اندازه‌گیری این متغیرها اشاره خواهد شد.

برای محاسبه مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری (DACC_{it}) از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده شده است. برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری ابتدا کل اقلام تعهدی را محاسبه و سپس اقلام تعهدی غیر اختیاری را از آن کسر می‌کنیم. اقلام تعهدی اختیاری برابر است با قدرمطلق ارزش اقلام تعهدی اختیاری تخمین زده شده از طریق مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) برای شرکت در دوره t که طبق این مدل:

مدل (۱)

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t}$$

مدل (۲)

$$\frac{TA_t}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta \Delta RE_t}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_t$$

TA_t : معرف مجموع ارقام تعهدی در سال t است. کل ارقام تعهدی از رابطه زیر به دست می آید:

$$TA_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} + \Delta STD_{i,t} - \Delta CASH_{i,t} - DEP_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

با توجه به رابطه فوق، $TA_{i,t}$ معرف جمع کل ارقام تعهدی، $\Delta CA_{i,t}$ تغییر در دارایی-های جاری سال t نسبت به سال $t-1$ ، $\Delta CL_{i,t}$ تغییر در بدهی های جاری سال t نسبت به سال $t-1$ ، $\Delta CASH_{i,t}$ تغییر در وجه نقد و معادل وجه نقد سال t نسبت به سال $t-1$ ، $\Delta STD_{i,t}$ تغییر در حصة جاری بدهی های بلند مدت سال t نسبت به سال $t-1$ و $DEP_{i,t}$ نشان دهنده هزینه استهلاک دارایی های مشهود و نامشهود در سال t است.

$$NDA_t = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{i,t-1}} \right) \quad \text{مدل (۴)}$$

که در آن، NDA_t ارقام تعهدی غیر اختیاری در سال t ، $A_{i,t-1}$ کل دارایی های شرکت i در سال $t-1$ ، ΔREV_t تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل، ΔREC_t تفاوت خالص حسابهای دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل، PPE_t اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص سال t است و $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ پارامترهای خاص شرکت است که از معادله بدست می آید.

متغیر دوم جهت اندازه گیری مدیریت سود در این پژوهش، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی از طریق دستکاری در فروش ($ABnCFOn$) است. با پیروی از مطالعات گذشته در مورد دستکاری فعالیت های واقعی (از جمله زانگ، ۲۰۰۵؛ روی چوداری، ۲۰۰۶)،

مورد بررسی قرار می‌گیرد، منظور از دستکاری فعالیت‌های واقعی دستکاری در فروش، کاهش مخارج اختیاری است. سطح غیرعادی هر نوع از دستکاری فعالیت‌های واقعی به عنوان باقیمانده (مازاد) الگوی برآورد مربوط، مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. روی چوداری (۲۰۰۶)، دستکاری در فروش را به صورت تلاش‌های مدیریت در جهت افزایش موقتی فروش در طول سال تعریف می‌کند که از طریق ارائه تخفیفات قیمت و یا شرایط اعتباری آسانتر حاصل می‌شود و جریان‌های نقدی ورودی را برای فروش را کاهش می‌دهد. بنابراین دستکاری در فروش انتظار می‌رود به جریان‌های نقدی عملیاتی کمتری در دوره جاری منجر شود. در این تحقیق از الگوی روی چوداری (۲۰۰۶)، برای برآورد سطح عادی CFO استفاده می‌شود:

$$\text{مدل (۵)} \quad CFO_t / A_{t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1/A_{t-1}) + \beta_1 (S_t / A_{t-1}) + \beta_2 (\Delta S_t / A_{t-1}) + \varepsilon_t$$

که در آن، CFO_t جریان‌های نقد عملیاتی غیر عادی، S_t فروش دوره t ، A_{t-1} کل دارایی‌های پایان دوره قبل است. سطح عادی CFO به صورت تابعی خطی از فروش و تغییرات در فروش بیان می‌شود. برای هر سال-شرکت، جریان‌های نقدی غیر عادی (ABCFO)، تفاوت بین CFO واقعی و CFO مورد انتظار است که از طریق الگوی سال-صنعت متناظر محاسبه می‌شود.

منغیر سوم جهت اندازه‌گیری مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری ($ABnDisEXP_{it}$) است. نوع دیگر دستکاری فعالیت‌های واقعی، کاهش هزینه‌های اختیاری است. اگر مدیران هزینه‌های اختیاری را کاهش دهند (به عنوان مثال هزینه تحقیق و توسعه، تبلیغات و هزینه فروش، اداری و تشکیلاتی) برای افزایش سود به اهداف مورد نظر به طور غیر عادی، هزینه‌های اختیاری کم انتظار می‌رود. با پیروی از روی چوداری (۲۰۰۶)، در این تحقیق سطح عادی هزینه‌های اختیاری غیر عادی با بکارگیری معادله زیر برآورد می‌شود:

مدل (۶)

$$EXP_t / A_{t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1/A_{t-1}) + \beta (S_{t-1} / A_{t-1}) + \varepsilon_t$$

در این رابطه

EXP_t = هزینه‌های اختیاری = مخارج تحقیق و توسعه + تبلیغات + هزینه‌های فروش،

عمومی واداری تشکیلاتی، S فروش خالص و A_{t-1} معرف کل دارایی‌های پایان دوره قبل است. روی چوداری این الگو را بر اساس فرضیه‌های الگوی دچو و دچیو (۲۰۰۲) تدوین کرده و فرض می‌کند هزینه‌های اختیاری تابعی خطی از فروش است. برای هر سال-شرکت، مخارج غیرعادی اختیاری، تفاوت بین هزینه‌های اختیاری واقعی و هزینه‌های اختیاری مورد انتظار محاسبه شده با به کارگیری الگوی سال - صنعت متناظر است. الگوهای زانگ (۲۰۰۵)، برای محاسبه هزینه‌های غیر عادی تحقیق و توسعه و هزینه‌های غیرعادی تبلیغات، هزینه فروش، عمومی و اداری و تشکیلاتی به کار گرفته می‌شود.

متغیر مستقل

$AUDACC_{it}$: نسبت اعضای که تخصص مالی دارند به کل اعضای کمیته حسابرسی

متغیرهای کنترلی

به پیروی از تحقیق پاتریک و همکاران (۲۰۱۴) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده شده است:

$ACSIZE_{it}$: تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی

$FSIZE_{it}$: لگاریتم دارایی‌های کل شرکت

$BIND_{it}$: نسبت مدیران غیر مؤلف هیئت مدیره به کل اعضاء

LEV_{it} : نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها

یافته‌های تحقیق

در روش‌های توصیفی تلاش بر آن است تا با ارائه جداول و استفاده از معیارهای آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شود تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. نتایج شاخص‌های توصیفی در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	ماکزیمم	مینیمم
DA	۱/۰۶۵	۱/۰۴۶	-۰/۲۷	۲/۷۴	-۱/۶۵
ABnCFO	-۰/۰۱۹	-۰/۰۲۵	-۰/۱۹	۰/۸۷	-۰/۵۹
ABnDisEXP	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۷	-۰/۰۶	۰/۵۴۶	-۰/۰۹۱
AUDACC	۰/۴۳۵	۰/۶۰۰	-۰/۳۹	۱	۰
ACSIZE	۳/۷۵۲	۴	-۰/۷۸	۵	۳
Fsize	۶/۱۲۸	۵/۹۸۴	-۰/۶۸	۸/۱۷	۴/۹۳
BIND	۰/۶۴۲	۰/۶۰۰	-۰/۱۹	۱	۰/۲۰
LEV	۰/۶۰۹	-۰/۶۰۴	-۰/۳۱	۰/۹۴	-۰/۰۰۶

مأخذ: نتایج تحقیق.

اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. مقدار میانگین برای متغیرهای مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی از طریق دستکاری در فروش، کاهش هزینه‌های اختیاری و تخصص مالی کمیته حسابرسی به ترتیب ۱/۰۶۵، -۰/۰۱۹، ۰/۰۰۶ و ۰/۴۳۵ می‌باشد، که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه‌ها تمرکز یافته‌اند. تفاوت کوچکترین عدد ارقام مدیریت سود و بزرگترین عدد نشان دهنده این است که با استفاده از ارقام مدیریت سود امکان دستکاری و هموارسازی سود وجود دارد. متغیر ABnCFO و ABnEXP شاخص مدیریت سود واقعی می‌باشند، ارقام منفی در آن نشان دهنده کم‌نمایی و ارقام مثبت نشان دهنده بیش‌نمایی سود است. اگرچه فاصله زیاد بین نسبت تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی که از صفر تا یک نوسان دارد بیانگر پراکندگی نوع تخصص در اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. همچنین نبود تخصص مالی در بعضی از شرکتهای نمونه نشان دهنده عدم رعایت منشور کمیته حسابرسی که تاکید بر وجود حداقل دانش مالی در بین اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. اندازه کمیته حسابرسی که در شرکتهای ایرانی معمولاً بین ۳ تا ۵ نفر می‌باشد، که با میانگین نزدیک به ۴ نشان دهنده این مطلب است که بیشتر شرکتهای از اعضای کمیته ۴

نفره تشکیل شده اند. استقلال اعضای کمیته که طبق منشور کمیته حسابرسی باید حداقل از یک یا دو عضو غیر موظف هیئت مدیره در ترکیب های ۳ نفره و ۵ نفره تشکیل شده باشد، نشان می دهد که در شرکتهای نمونه استقلال رعایت شده و بیشتر شرکتهای از استقلال برخوردار بوده اند که میانگین نزدیک به ۶۴ درصد نیز موید بر این مدعا است.

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی تأثیر منفی و معنی دار دارد.

جدول (۲): نتایج برآورد آزمون فرضیه اول

$DA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDACC_{i,t} + \beta_2 ACSIZE_{i,t} + \beta_3 FSIZE_{i,t} + \beta_4 BIND_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \varepsilon_{it}$			
متغیر مستقل	ضریب	t آماره	سطح معنی داری
عرض از مبداء	۱/۷۳۷	۱۲/۱۵۲	۰/۰۰۰
AUDACC	۰/۰۴۰	۱/۲۱۲	۰/۲۲۶
ACSIZE	-۰/۰۴۹	-۲/۸۷۴	۰/۰۰۴
FSIZE	-۰/۰۹۴	-۴/۸۰۷	۰/۰۰۰
BIND	۰/۰۱۹	۰/۲۷۷	۰/۷۸۱
LEV	۰/۰۹۹	۲/۳۳	۰/۰۱۹
آماره F		۷/۸۱۴	
سطح معنی داری (Prob.)		(۰/۰۰۰)	
آماره دوربین واتسون		۱/۹۲	
آزمون F لیمر (چاو)		۰/۸۴۰	
سطح معنی داری (Prob.)		(۰/۸۳۷)	
ضریب تعیین (R^2)		۰/۱۹۴	
ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)		۰/۱۸۲	

مأخذ: نتایج تحقیق.

نتایج تخمین برای آزمون فرضیه اول تحقیق در جدول (۲) ارائه شده است، نتایج

بدست آمده از آزمون چاو بیانگر قبول فرضیه H_0 و وجود مدل داده‌های تلفیقی برای مدل است. پس طبق نتایج این آزمون‌ها که در جدول (۲) ارائه شده است، مدل نهایی، مدل داده‌های تلفیقی می‌باشد. سطح معنی‌داری آماره F (۰/۰۰۰) از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) کمتر بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. آماره دوربین واتسون نیز بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، که نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی وارد شده حدود ۱۹/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. هدف از تدوین فرضیه اول، بررسی ارتباط بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی بود که با توجه به نتایج بدست آمده از برآورد الگو، ضریب متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی برابر ۰/۰۴۰ می‌باشد و با توجه به سطح خطای آن که برابر با ۰/۲۲۶ و بیشتر از خطای ۰/۰۵ است، در نتیجه این فرضیه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. علاوه بر آن سطوح معناداری متغیرهای کنترلی پژوهش شامل اندازه هیأت مدیره (سطح معناداری ۰/۰۰۴)، اندازه شرکت (سطح معناداری ۰/۰۰۰) و اهرم مالی (سطح معناداری ۰/۰۱۹) نیز نشان دهنده آن است که اندازه کمیته حسابرسی و اندازه شرکت با مدیریت سود تعهدی رابطه‌ی معنادار منفی دارد و اهرم مالی رابطه‌ی معنادار مثبتی دارد ولی ارتباط معنادار بین استقلال اعضای هیأت مدیره و مدیریت سود تعهدی یافت نشد.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش تأثیر منفی و معنی‌دار دارد.

جدول (۳): نتایج برآورد آزمون فرضیه دوم

$ABnCF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDACC_{i,t} + \beta_2 ACSIZE_{i,t} + \beta_3 FSIZE_{i,t} + \beta_3 BIND_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \varepsilon_{it}$			
متغیر مستقل	ضریب	t آماره	سطح معنی‌داری
عرض از مبدا	-۰/۰۲۵	-۱/۸۸۰	۰/۰۶۰
AUDACC	-۰/۰۴۳	-۱/۹۸۸	۰/۰۴۷
ACSIZE	-۰/۰۱۶	-۱/۷۹۴	۰/۰۷۳
FSIZE	۰/۰۴۳	۲/۰۳۱	۰/۰۴۲

۰/۴۵۶	-۰/۷۴۶	-۰/۰۳۲	BIND
۰/۰۱۸	۲/۲۶	۰/۰۵۵	LEV
۳/۴۰۹ (۰/۰۰۵)			F آماره سطح معنی داری (Prob.)
۲/۳۱۷			آماره دوربین واتسون
۵/۴۹۶ (۰/۰۰۰)			آزمون F لیمر (چاو) سطح معنی داری (Prob.)
۲/۲۱۵ (۰/۸۱۸)			آزمون هاسمن سطح معنی داری (Prob.)
۰/۲۴۳ ۰/۲۳۰			ضریب تعیین (R^2) ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج تخمین برای آزمون فرضیه دوم تحقیق در جدول (۳) ارائه شده است، نتایج بدست آمده از آزمون چاو بیانگر رد فرضیه H_0 و وجود مدل اثر ثابت برای مدل است. طبق آزمون هاسمن فرضیه H_0 به معنای وجود مدل اثر تصادفی است و رد فرضیه H_0 به معنای وجود مدل اثر ثابت است. پس طبق نتایج این آزمون‌ها که در جدول (۳) ارائه شده است، مدل نهایی، مدلی با اثرات تصادفی می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده از برآورد الگو، ضریب متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی برابر ۰/۰۴۳- می‌باشد و با توجه به سطح خطای آن که برابر با ۰/۰۴۷ و کمتر از خطای ۰/۰۵ است، در نتیجه این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. پس می‌توان گفت که با ازای ۱ واحد افزایش در تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، ۰/۰۴۳ واحد مدیریت سود دستکاری در فروش کاهش می‌یابد. علاوه بر آن سطوح معناداری متغیرهای کنترلی پژوهش شامل اندازه شرکت (سطح معناداری ۰/۰۴۲) و اهرم مالی (سطح معناداری ۰/۰۱۸) نیز نشان دهنده‌ی آن است که اندازه شرکت و اهرم مالی با مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش رابطه‌ی معنادار مثبتی دارد ولی ارتباط معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و استقلال اعضای هیأت مدیره با مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش یافت نشد.

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق کاهش

مخارج اختیاری تأثیر منفی و معنی دار دارد.

جدول (۴): نتایج برآورد آزمون فرضیه سوم

$ABnCFO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDACC_{i,t} + \beta_2 ACSIZE_{i,t} + \beta_3 FSIZE_{i,t} + \beta_3 BIND_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \varepsilon_{it}$			
متغیر مستقل	ضریب	t آماره	سطح معنی داری
عرض از مبدا	۰/۰۷۵	۲/۵۲۷	۰/۰۱۲
AUDACC	-۰/۰۰۱	-۲/۲۵۲	۰/۰۲۵
ACSIZE	۰/۰۰۲	۵/۹۹۰	۰/۰۰۰
FSIZE	-۰/۰۱۴	۲/۹۳۱	۰/۰۰۳
BIND	۰/۰۱۹	۸/۶۱۷	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۰۰۲	-۲/۶۴۱	۰/۰۰۸
آماره F		۲۶/۵۴۵	(۰/۰۰۰)
سطح معنی داری (Prob.)			
آماره دوربین واتسون		۲/۲۰۶	
آزمون F لیمر (چاو)		۵/۴۴۹	(۰/۰۰۰)
سطح معنی داری (Prob.)			
آزمون هاسمن		۵/۷۴۲	(۰/۰۰۲)
سطح معنی داری (Prob.)			
ضریب تعیین (R^2)		۰/۶۰۳	
ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)		۰/۵۶۹	

منبع: محاسبات تحقیق

برای مدل فرضیه سوم با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های انتخاب مدل از روش داده‌های پانل به صورت اثرات ثابت استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از برآورد الگو، ضریب متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی برابر ۰/۰۰۱ می‌باشد و با توجه به سطح خطای آن که برابر با ۰/۰۲۵ و کمتر از خطای ۰/۰۵ است، در نتیجه این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. پس می‌توان گفت که با ازای ۱ واحد افزایش در تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، ۰/۰۰۱ واحد مدیریت سود مخارج اختیاری کاهش می‌یابد. علاوه بر آن سطوح معناداری متغیرهای کنترلی پژوهش شامل اندازه کمیته حسابرسی (سطح معناداری ۰/۰۰۰)، اندازه شرکت (سطح معناداری ۰/۰۰۳)، استقلال اعضای هیأت

مدیره (سطح معناداری ۰/۰۰۰) و اهرم مالی (سطح معناداری ۰/۰۱۸) نیز نشان دهنده آن است که اندازه کمیته حسابرسی و استقلال اعضای هیأت مدیره با مدیریت سود از طریق کاهش مخارج اختیاری رابطه‌ی معنادار مثبت دارد و اندازه شرکت و اهرم مالی رابطه‌ی معنادار منفی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با افزایش گستردگی شرکت‌ها و در پی بحران‌های مالی و ورشکستگی شرکت‌های بزرگی از قبیل انرون، نیاز به حاکمیت شرکتی و خصوصاً کمیته‌ی هیأت مدیره در شرکت‌ها به وجود آمد ولی به مرور مشخص شد که هیأت مدیره نیز در شرکت‌های بزرگ قادر به اداره امور و نظارت مؤثر بر همه‌ی امور شرکت نیست لذا این منجر به ایجاد کمیته‌های ویژه‌ای درون شرکت‌ها شد که از جمله آن کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها است این کمیته به نظارت مالی مؤثر کمک می‌کند و انتظار می‌رود با افزایش سطح تخصص مالی خود باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها شود، بنابراین در این پژوهش بررسی تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از جنبه‌های مختلف یعنی مدیریت سود مبتنی تعهدی و مدیریت واقعی سود بررسی و پرداخته شد. در مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری، مدیریت از طریق روش‌های حسابداری، و در پایان سال با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، سود را در جهت اهداف خویش دستکاری می‌نماید اما در مدیریت واقعی سود مدیر از طریق تصمیمات عملیاتی (از طریق دستکاری در فروش و از طریق کاهش مخارج اختیاری) اقدام به مدیریت سود می‌نماید. نتایج نشان می‌دهد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی تأثیر معناداری ندارد. بررسی اثر ویژگی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی حاکی از آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش و مخارج اختیاری تأثیر منفی دارد. که این ویژگی به عنوان بخشی از اجزای حاکمیت شرکتی می‌تواند در جهت همسویی منافع سهامداران و مدیران به کار روند. نتایج پژوهش با یافته‌های کارسلو و همکاران (۲۰۰۸) و پاتریک (۲۰۱۴) پشتیبانی شده و همخوانی دارد. به طور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در شرکتهای ایرانی جود دارد. بازنگری ادبیات مورد بررسی نشان می‌دهد که ارتباط بین اجزای حاکمیت شرکتی (کمیته حسابرسی) و مدیریت سود

در محیط‌هایی که از ضعف نظام راهبری شرکتی، علی‌رغم وجود قوانین رنج می‌برند، متعدد و متنوع می‌باشد. در کشور ما نیز علی‌رغم تدوین اصول راهبری شرکتی و ضرورت اجرای آن، تاکنون شرکت‌ها ملزم به ارائه آنها حتی به صورت اختیاری به عموم نشده‌اند. لذا علی‌رغم ضعف محیط کنترلی در شرکتهای ایرانی و همچنین نوپا بودن ایجاد کمیته حسابرسی، یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود کمیته حسابرسی اثر کاهشی بر مدیریت سود دارد.

براساس نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود که الزامات افشای اطلاعات ناظر بر شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار توسط محققین به طور مستمر ارزیابی و با هدف ارتقا شفافیت مالی در کشور، بهبود این الزامات مدنظر قرار گیرد. و همچنین با توجه به معنادار نبودن سطح تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که به این ویژگی اعضای دقت نمایند و حتی‌الامکان عضویت اعضای با مدرک حسابداری رسمی را در اولویت قرار دهد. با توجه به نوظهور بودن و جدید بودن وجود کمیته حسابرسی در ایران، مطالعه تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ارتباط آن با موضوعات مالی مربوط می‌تواند از جنبه غنا بخشیدن به مبانی نظری و فایده‌مندی عملی مفید واقع شود.

محدودیت‌های تحقیق

با توجه به نوظهور بودن کمیته حسابرسی و تصویب آن از سال ۱۳۹۱، افشای کامل اطلاعات مربوط به سوابق و تجارب اعضای کمیته حسابرسی توسط برخی از شرکت‌ها صورت نگرفته است. در برخی موارد به دلیل کامل نبودن این اطلاعات، امکان تعیین تخصص کمیته حسابرسی فراهم نبود، که این موضوع باعث کاهش حجم نمونه شده است. لازم به توضیح است که برخی از داده‌ها بر اثر تورم نیاز به تعدیل دارد و عدم تعدیل آن می‌تواند محدودیت عمده‌ای برای انجام پژوهش محسوب گردد.

منابع

- آزادی کیهان، مشکی مهدی و مجتبی سمیعپور (۱۳۹۴)، نقش استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات مالی. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی.
- بنائی، مریم، عبدلی، رضا، دهدار، فرهاد. (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر کمیته حسابرسی بر بهبود شفافیت گزارشات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- بنی مهد، بهمن. حساس یگانه، یحیی و نرگس یزدانین. (۱۳۹۳)، مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۷(۲۱)، صص ۱۷-۳۲.
- جامعی، رضا؛ رستمیان، آزاده (۱۳۹۴)، تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸ شماره ۲۵، صص ۱-۱۷.
- رویایی رضمانعلی و محمد ابراهیمی (۱۳۹۴)، تأثیر ویژگیهای کمیته حسابرسی را بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق. فصلنامه حسابداری مالی. سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۷۱-۸۸.
- سجادی، سید حسین؛ دستگیر، محسن؛ جهانشاهی، مجتبی افشار (۱۳۸۵). ضرورت ایجاد کمیته‌ی حسابرسی، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۵-۸۶.
- صالحی، تابنده، بهارمقدم، مهدی، خدانی پور، احمد. (۱۳۹۰). "بررسی عوامل موثر بر اثربخشی کمیته حسابرسی و موانع استقرار آن در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- مشایخی، بیتا؛ حسین پور، امیر حسین (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۹، صص ۲۹-۵۲.
- مهرنوب، میلاد، حساس یگانه، یحیی، باباخانی، جعفر. (۱۳۹۰). "تأثیر کیفیت حسابرسی و ویژگی های حسابرس بر مدیریت سود"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.

- Abbott, L.J., Parker, S. and Peters. G.F. (2004). "Audit Committee Characteristics and Restatements". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23 (1): 69- 87.
- Aboody, D., Hughes, J., & Liu, J. (2005). Earnings quality, insider trading, and cost of capital. *Journal of Accounting Research*. 43 (5), 651-673.
- Arabsalehi, M., Hamidian, N., & Ghajavand, Z. (2015). The effect of over-valuation stock price on real earnings management in listed companies of tehran stock exchange. *Asset Management & Fianaciang*. 3 (3): 49-66.
- Bedard, J. Chtourou, S.M. and Courteau, L. (2004). "The Effect of Audit Vommittee Expertise, Independence, and Activity on Aggressive Earnings Management". *Auditing. A Journal of Practice & Theory*. 23 (2): 13-35.
- Bhojraj, S., & Libby, R. (2005). Capital market pressure, disclosure frequency-induced earnings/cash flow conflict, and managerial myopia. *The Accounting Review*. 80 (1): 1-20.
- Brochet, F., Loumioti, M., & Serafeim, G. (2015). Speaking of the short-term: disclosure horizon and managerial myopia. *Review of Accounting Studies*. 20 (3): 1122-1163.
- Carcello, J., Hollingsworth, C., Klein, A. & Neal, T (2008), Audit committee financial expertise, competing corporate governance mechanisms, and earnings management, *working paper, University of Tennessee*.
- Chen, Y., Ghon Rhee, S., Veeraraghavan, M., & Zolotoy, L. (2015). Stock liquidity and managerial short-termism. *Journal of Banking & Finance*. 60: 44-59.
- Chung, R., Firth, M. and Kim, J.B. (2005) Earnings Management, Surplus Free Cash Flow, and External Monitoring, *Journal of Business Research*, 58, 766 -776.
- Cohen, A., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*. 50 (1): 2-19.
- Cohen, D. and Zarowin, P. (2010). "Accrual-based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1): 2-19.
- Dechow, P. and I. Dichev, (2002), The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors, *The Accounting Review*, Vol. 77, PP. 35-59.
- Dichev, I. and Skinner, D. (2002). "Large Sample Evidence on the Debt Covenant Hypothesis". *Journal of Accounting Research*, 40 (4): 1091-1123.
- Dichev, I.D., Graham, J.R., Harvey, C.R., & Rajgopal, S. (2013). Earnings quality: evidence from the field. *Journal of Accounting*

- and Economics*. 56 (1): 1–33.
- Ferreira, I. (2008). “The Effect of Audit Committee Composition and Structure on the Performance of Audit Committees. *Journal of Meditari Accountancy Research*, 16 (2): 89-106.
- Francis, J., Nanda, D., & Olsson, P. (2008). Voluntary disclosure, earnings quality, and cost of capital. *Journal of Accounting Research*. 46 (1): 53–99.
- Fudenberg, D. and Tirole, J. (1995). “A Theory of Income and Dividend Smoothing Based on Incumbency Rents”. *Journal of Political Economy*, 103 (1): 75-93.
- Garven, S.A (2009), The effect of board and audit committee characteristics on real earnings management: do boards and audit committees play a role in its constraint?, *working paper, University of Tennessee*.
- Graham, J.R., Harvey, C.R., & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*. 40 (1–3): 3–73.
- Healy, P. and Wahlen, J. (1999). “A Review of the Earnings Management Literature and Implications for Standard Setters”. *Journal of Accounting Horizons*, 13 (4): 365-383.
- Roychoeddhury, S. (2006). “Earning Management through Real Activities Manipulation”. *Journal of Accounting and Economics*. 42 (3): 335-370.
- Jones, J. (1991). "Earning management during import relief investigation", *Journal of accounting research*, 29 (2), pp. 193-228.
- Kannianen, V. (2000) Empire building by corporate manager: the corporation as a saving instrument. *Journal of Economic Dynamics and Control*. 24 (1): 127-142.
- Mehrani, S., & Bagheri, B. (2009). The effect of free cash flow and institutional shareholders on earnings management in listed companies in Tehran stock exchange. *Accounting Research*. 1 (2): 51-64.
- Nakashima, M., Ziebart, D. (2015), did Japanese- sox have an impact on earnings management and earnings quality?, *managerial auditing journal*, vol 30, pp. 482-510.
- Patrick G. Badolato, Dain C. Donelson, Matthew Ege (2014). “Audit committee financial expertise and earnings management: The role of status”, *Journal of Accounting and Economics*, 58, 208–230.
- Rani, M. (2011). The Effects of Audit Committee Characteristics on the Value Relevance of Accounting Information -Evidence from New Zealand. *working paper: Auckland University of Technology*.
- Reid, Lauren C. and Carcello, Joseph V. and Li, Chan and Neal, Terry L. (2015). Impact of Auditor and Audit Committee Report Changes on Audit Quality and Costs: *Evidence from the United*

Kingdom Available.

- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), PP. 335-370.
- Stein, J. (1989). Efficient capital market, inefficient firms: a model of myopic corporate behaviour. *Quarterly Journal of Economics*. 104 (4): 655-669.
- Sun, J., Lan, J. and Liu, G. (2014). "Independ Audit Committee Characteristics and Real Earnings Management". *Managerial Auditing Journal*, 29 (2): 153-172.
- Tendello B. & A. Vanstraelen. (2008). Earnings Management and Audit Quality in Europe: From the Private Client Segment, *European Accounting Review*, Vol. 17, No. 3, pp. 447-469.
- Visvanathan, G (2008), Corporate governance and real earnings management, *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, Vol. 12 .
- Zang, A.Y. (2012). "Evidence on the Trade-off between Real Activities Manipulation and Accrual-based Earnings Management". *The Accounting Review*, 87 (2): 675-703.
- Zang, Amy Y. (2005). Evidence on the tradeoff between real manipulation and accrual manipulation. *Working paper: University of Rochester*.

Archive

Archive of SID